

### بایدهای سیاست خارجی ایران در قبال آمریکای جدید



**محمد مهدی مظاهری**

تحلیلگر مسائل بین الملل

نحوه مواجهه با دوره جدید ترامپسیسم و سیاست های این رئیس جمهور پر مدعا و تاجرپیشه آمریکا در قبال منطقه غرب آسیا و به ویژه ایران به یکی از چالش های اصلی دستگاه دیپلماسی کشورمان نیز تبدیل شده است. دوره نخست ریاست جمهوری ترامپ برای مردم ایران با خاطرات بسیار تلخی همراه است، در حالی که نهال نوپای برجام که حاصل تلاش های دیپلماتیک بسیار ایران و قدرت های جهانی بود، به تدریج قد می کشید و مردم ایران منتظر ثمرات آن در عرصه های اقتصادی و سیاسی بودند، ترامپ با خروج از این پیمان، خط بطلانی بر همه این تلاش ها و آمال ها کشید و به صورت کاملا خودمحورانه سخت ترین تحریم های اقتصادی را علیه کشورمان تصویب کرد. وی همچنین در یک ترور تجاروکارانه آشکار، سردار محبوب ایرانی، حاج قاسم سلیمانی را به شهادت رساند و مردم رنج کشیده ایران را داغ دار نمود. از دیگر اقدامات ایران ستیز ترامپ حمایت همه جانبه از دشمن درجه کشورمان، یعنی رژیم اسرائیل در منطقه بود که از طریق «پیمان ابراهیم» پای این رژیم را به کشورهای همسایه ایران باز کرد و سبب توسعه حضور امنیتی- اطلاعاتی آن در حیات خلوت ایران شد. به همه این دلایل، روز ۶ نوامبر وقتی رسانه‌ها از پشتتازی و در نهایت پیروزی قطعی ترامپ در انتخابات خبر دادند، نوعی نگرانی در بین تحلیلگران سیاست خارجی کشور ایجاد شد. سؤال اصلی که ذهن همه این تحلیلگران را به خود مشغول داشته این است که آیا سیاست خارجی ترامپ در این دوره جدید نیز تداوم همان سیاست های خصمانه دوره قبل است و دولت و مردم ایران باز هم باید منتظر تشدید تحریم ها، فشارها و توسعه ناامنی در حوزه ژئوپلیتیکی پیرامونی خود باشند؟ باتوجه به شناختی که حداقل اکنون از شخصیت و تیپ رفتاری ترامپ داریم، باید گفت پاسخ به قیق به این سؤال چندان آسان نیست. او مثل سیاستمداران کارکشته یک طرحواره و نگرش ثابت و کلی از نظام جهانی و اصول و هنجارهای بین المللی در ذهن ندارد، بلکه راهنمای اصلی وی در سیاست خارجی اولویت دادن به برتری آمریکا از طریق حفظ و ارتقای منافع و امنیت این کشور است. هر چه قیمت است. هر چند این خصوصیات اخلاقی- رفتاری ترامپ، می تواند چالشی بزرگ برای مذاکرات دیپلماتیک باشد، اما برخی پتانسیل های امید بخش نیز در دوره دوم دولت ترامپ نهفته است که انتظار می رود دیپلمات های ایرانی بتوانند آنها را فعال کرده و در حالت قوه به فعل درآورند و از آنها در راستای تبدیل تهدیدات به فرصت برای کشور استفاده کنند. نخستین مسأله این است که ترامپ هم اکنون مدعی سیاست شرایط بحرانی منطقه غرب آسیا حاصل سیاست های غلط دموکرات ها بوده که اگر او رئیس جمهور آمریکا بود، اتفاق نمی افتادند و حال نیز او قادر است به حل و فصل آنها بپردازد. هرچند بر اساس سابقه کاری ترامب این رویکرد می تواند حاوی تهدیداتی برای ایران و دلگرمی هایی برای اسرائیل باشد، اما در عین حال یک پیام مهم را نیز در خود نهفته است. اینکه ترامپ خواهان پایان جنگ غزه و لبنان و مخالف تشدید تنش ها بین ایران و اسرائیل است. این دقیقا همان سیاستی است که جمهوری اسلامی ایران نیز بارها اعلام کرده و دولت تازه کار ایران نیز همواره بر آن تأکید دارد. بنابراین در مقطع کنونی هدف منطقه ای ایران و آمریکا یکی است و ترامپ منفعت گرا مایل نیست در ابتدای شروع به کار دولتش، به نیابت از رژیم اسرائیل وارد یک جنگ پرهزینه با ایران شود. از این رو به نظر می رسد پتانسیل های بسیاری برای پایان دادن به جنگ های غزه و لبنان و وضعیت آشوبناک منطقه غرب آسیا وجود دارد و لازم است بدون فوت وقت ابتکار عمل ها، پیشنهادات و راهبردهای متعدد و متنوع برای تحقق این امر طراحی و آماده ارائه شود. مسأله مهم دیگر وضعیت برجام است، دولت ترامپ در دوره نخست ریاست جمهوری خود خواهان تغییر و اصلاح برجام شد و زمانی که با پاسخ منفی ایران و سایر کشورهای امضا کننده مواجه گردید، کشورش را از این پیمان خارج نمود و بدین ترتیب این پیمان بین المللی را بی اثر کرد. در آن زمان برجام تازه تاسیس و به طور نسبی مطلوب ایران بود، در نتیجه مقامات کشورمان حاضر به تغییر آن نگردیدند. حال باگذشت نزدیک به ۱۰ سال از امضای این پیمان، شرایط در بسیاری از حوزه ها تغییر کرده، برخی از تعهدات ایران در این پیمان به سر رسیده و در نتیجه طبق گفته بسیاری از مقامات مسئول، دیگر خود ایران نیز مایل به تداوم آن پیمان به شکل سابق نیست و برای ایجاد تغییراتی در آن و امضای یک پیمان جدید آمادگی دارد. چنانکه دولت جدید ایران در وعده های خود مبنی بر تلاش برای رفع تحریم ها و حل مشکلات اقتصادی خارجی برای ایجاد رفاه و توسعه در ایران صادق است، باید از این بزنگاه پیش آمده استفاده کند و مقامات دستگاه دیپلماسی نیز با فاصله گرفتن از شعارهای غیرواقع بینانه و تند روانه که برخی محافل سیاسی به آنها نابودی منافع ملی کشور و افزایش تحریم و تهدید برای مردم ایران ندارد، از حالت انفعالی و وقت کشی خارج شده و به سرعت برای طراحی یک سیاست خارجی فعال، پویا و مبتکرانه اقدام کند.

حسن بهشتی پور در گفت وگو با «آرمان ملی»:

## فعال کردن مکانیسم ماشه

## به معنای بازی باخت-باخت است



**ترامپ ممکن است مذاکرات ایران و کشورهای**

**اروپایی را با چالش مواجه کند**

**کشورهای اروپایی به دنبال فعال کردن مکانیسم**

**ماشه هستند**

«آرمان ملی»- احسان انصاری: انزیکه مورا معاون دبیرکل سرویس اقدام خارجی این اتحادیه روز پنجشنبه با مجید تخت روانچی معاون سیاسی وزیر امور خارجه ایران برای گفت وگو درباره طیف مختلفی از مسائل دیدار کرد. تخت روانچی سپس روز جمعه با نمایندگان سه کشور اروپایی انگلیس، فرانسه و آلمان در ژنو دیدار کرد. به گفته اسماعیل بقایی سخنگوی وزارت امور خارجه این دیدار در سطح معاونین وزیر برگزار شده است. وی با اشاره به سیاست اصولی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر تعامل و همکاری با دیگر کشور ها بر بنیای اصول عزت، حکمت و مصلحت، گفت وگو با سه کشور

از سرگیری مذاکرات بین ایران و کشورهای غربی در شرایط کنونی چه پیامدهایی به همراه خواهد داشت؟ مذاکره ایران با آلمان، انگلیس و فرانسه که طرف های اروپایی در مذاکرات با گروه موسوم به پنج به علاوه یک بودند برای ایران نتیجه مورد نظر را نخواهد داشت. به احتمال زیاد این کشورها در نهایت مکانیسم ماشه را فعال خواهند کرد. یعنی این سه کشور که بانی قطعنامه اخیر در شورای حکام بودند در واقع به ایران نشان دادند به رغم همه همکاری هایی که ایران با آژانس داشت آنها فعال کردن روند مکانیزم ماشه یا همان ترتیبات اجرایی بازگشت شش قطعنامه تحت فصل هفتم منشور ملل متحد مصوب شورای امنیت را قبل از مه‌رمه ۱۴۰۴ دنبال می کنند. اما بحث اصلی این است که در حال حاضر تروئیکای اروپایی دنبال مستندات حقوقی برای این اقدام است.

**چرا کشورهای اروپایی در عین حالی که به دنبال فعال کردن مکانیسم ماشه هستند اما با ایران سر میز مذاکره نشستند؟**

کشورهای اروپایی برسر موضوع های دیگری با ایران اختلاف دارند. به عنوان مثال مرتب ادعا می کنند ایران به روسیه موشک ارسال کرده است تا در جنگ علیه اوکراین استفاده کند. از آنجا که از نگاه اتحادیه اروپا جنگ روسیه در اوکراین بر ضد امنیت اروپا تلقی می شود، بر این اساس هر نوع حمایت نظامی از روسیه در واقع تهدیدی علیه امنیت اروپا تفسیر می شود. علاوه بر این درگیر شدن جنگ بین ایران و اسرائیل به صورت مستقیم موجب فعال شدن لایه صهیونیست ها در آلمان و فرانسه و انگلیس علیه ایران شده است و همین مساله به دامه اختلاف های ایران و تروئیکای اروپایی افزوده است. همچنین پس از ناآرامی های پاییز ۱۴۰۱ در ایران اختلاف دو طرف بر سر مسائل حقوق بشری بالا گرفت زیرا طرف اروپایی تصور می کرد کار جمهوری اسلامی ایران پایان یافته است و نیازی به مذاکرات هسته ای با ایران ندارد اما بعد که متوجه شدند روند تحولات برخلاف برآورد های آنها به سمت دیگری رفت بار دیگر دو سوال باقی مانده آژانس از ایران در مورد پیدا شدن ذرات بسیار ناچیز اورانیوم با غنای کمتر از پنج درصد در دو مکانی که از پیش به عنوان مرکزی برای فعالیت هسته ای اعلام نشده بود، دستمایه فشار بر ایران برای انجام تعهدات برجامی شده است. بنابراین اینکه ایران با تروئیکای اروپایی مذاکره کند تا مشکلات با اروپا حل شود، اقدام خوب و مثبتی است، ولی اینکه فکر کنیم مذاکراتمان با اروپایی ها به این نتیجه می رسد که آن ها مکانیسم ماشه را فعال نکنند، از نظر من بعید به نظر می رسد.

**ایران بارها اعلام کرده در صورتی که کشورهای اروپایی مکانیسم ماشه را فعال کنند از ان پی تی خارج می شود. در چنین شرایطی آیا باز هم اروپایی ها چنین اقدامی را انجام خواهند داد؟**

بله، ایران پیش از این اعلام کرده که اگر مکانیسم ماشه فعال شود از ان پی تی خارج خواهد شد. خروج ایران از ان پی تی یک معادله باخت- باخت است. در واقع اگر چنین

سفر پیشین ایران در فرانسه اظهار

داشت، روابط ما با اروپا به دلایل مختلف، پیچیده و پرتنش بوده است. به ویژه اینکه اروپا به خاطر درگیری در موضوع هسته ای، از سال ها پیش، حتی قبل از برجام که ما با ۵+۱ مذاکرات را آغاز کنیم با این سه کشور مذاکرات هسته ای را انجام می دادیم. همیشه مشکل اصلی روابط ما با اروپا، موضوع هسته ای بود که در مقطعی اعلام کردند تا این موضوع حل نشود، تحولی در روابطمان ایجاد نخواهد شد. مشخص بود که موضوع هسته ای باید در دستور کارمان قرار گیرد. ابوالقاسم دلفی گفت: پس از خروج آمریکا از برجام، اروپایی ها به ما گفتند که بمانید و ما مشکلات را حل خواهیم کرد، اما به دلایل مختلف نتوانستند به تعهدات خود عمل

شنبه	۱۰	۰۹	۰۳	۱۴
سال پنجم	شماره	۱۹۸۴	شماره	۱۹۸۴
۲۸ جمادی الاول ۱۴۴۶/۳۰ نوامبر ۲۰۲۴				

armanmeli.ir



اروپایی را در ادامه گفت وگوهای انجام شده با آن ها در حاشیه اجلاس سالانه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک توصیف کرد. وی همچنین گفت: در این دور از گفت وگو ها که از همین نیویورک برنامه ریزی شده است، طیفی از مباحث و موضوعات منطقه ای و بین المللی از جمله موضوع فلسطین و لبنان و نیز موضوع هسته ای مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی مهم ترین پیامدهای مذاکره ایران با کشورهای اروپایی با حسن بهشتی پور تحلیلگر روابط بین الملل گفت وگو کرده که در ادامه می خوانید.

اروپایی را در ادامه گفت وگوهای انجام شده با آن ها در حاشیه اجلاس سالانه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک توصیف کرد. وی همچنین گفت: در این دور از گفت وگو ها که از همین نیویورک برنامه ریزی شده است، طیفی از مباحث و موضوعات منطقه ای و بین المللی از جمله موضوع فلسطین و لبنان و نیز موضوع هسته ای مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی مهم ترین پیامدهای مذاکره ایران با کشورهای اروپایی با حسن بهشتی پور تحلیلگر روابط بین الملل گفت وگو کرده که در ادامه می خوانید.

اتفاقی رخ بدهد هم ایران ضرر می کند و هم طرف مقابل. ایران از این بابت متضرر می شود که فشار بین المللی را علیه خود افزایش می دهد. باید این مهم را در نظر گرفت که سلاح هسته ای نمی تواند بازدارندگی خاصی ایجاد کند. اگر سلاح هسته ای بازدارندگی داشت، ایران نمی توانست به اسرائیل که دوست کلاهک هسته ای دارد حمله کند یا حزب... این تعداد حمله به اسرائیل انجام بدهد. بنابراین نفس داشتن سلاح هسته ای موجب بازدارندگی نمی شود بلکه عوامل متعددی بر این مسأله تأثیرگذار هستند. طبق آماري که من دارم پنج قطعنامه پس از برجام صادر شده که دو مورد آن در شش ماه اخیر بوده است. این نشان می دهد که

غرب زمینه سازی برای فعال سازی مکانیسم ماشه و تسویه حساب سیاسی با طرف ایرانی را آغاز کرده است. گزارشی که اکنون روی میز آژانس است به قبل از سال ۲۰۰۲ بازمی گردد، اما گفته می شود که ذرات ناچیز اورانیوم مربوط به این ماجرا در سال ۲۰۱۹ کشف شده است. خلاصه بحث پیچیده فعلی این است که آژانس بین المللی انرژی اتمی می گوید بازرسان ما در مکانی که جمهوری اسلامی ایران به ما اعلام نکرده بود، ذرات اورانیوم البته با غنای بسیار پایین پیدا کردیم و تهران باید چرایی وجود این مواد را برای ما شفاف کند. بحث چاشنی های انفجاری هم از قبل مطرح بوده و همچنان هم به عنوان یک پرونده باز روی میز است. این موضوع پیش از این در پرونده موسوم به پی امدی هم مطرح شده بود اما در چارچوبی که همزمان با حصول برجام تعریف شد حل و فصل شد.

**پس از سفر گروسی به تهران طرفین نسبت به روند همکاری ها ابراز خوشبینی کردند. آیا اختلافات بین ایران و آژانس جدی تر از تعارفات مرسوم سیاسی است؟**

به نظر من موضوع های اختلافی قابل حل است و حل این مسأله با تشریک مساعی طرف مقابل می خواهد ایران سلاح هسته ای داشته باشد. هرچه زودتر بهانه را از دست طرف مقابل بگیریم، برخی از آقایان معتقدند که پاسخ فنی و حقوقی این مسأله را دادند و جدی تر وارد می شود و ممکن است به سمت خروج از ان پی تی حرکت کند.

این درحالی است که می توانستند با مذاکرات به یک توافق خوب برسند، چون نه ایران دنبال هسته ای است و نه طرف مقابل می خواهد ایران سلاح هسته ای داشته باشد.

اما همه این ها منوط به طرف آمریکایی است، چون نشان داده اگر ما با طرف اروپایی هم کار را پیش ببریم و توافق کنیم او می تواند این توافق را دچار مشکل کند. دارد، اما عمده آن ها مواردی بود که به آن ها اشاره شد. آخرین آن هم موضوع مناسبات ما با آژانس بود و سفر اخیر آقای گروسی به تهران نیز بر این پرونده تأثیرگذار بوده است. با وجود توافقاتی که آقای گروسی داشتیم، اروپایی ها قطعنامه ای را در شورای حکام مطرح کردند که اگرچه پیش بینی نمی شد، اما به تصویب رسید. به رغم اینکه این قطعنامه تنش ها را افزایش داد، می تواند مقدمه ای برای آغاز مذاکرات جدید بین ایران و سه کشور اروپایی در ژنو باشد که جمعه برگزار خواهد شد. این مذاکرات مقدمه فرصتی است تا دو طرف به تفاهم برسند و بایستی دید که اروپایی ها چه میزان حسن نیت از خود نشان خواهند داد. به نظر می رسد که می توان روی تمایل آن ها حساب کرد.

### تلنگر

نقشه ترامپ برای ایران چیست؟

### از تحریم تا فشار

در طول سال های گذشته، روابط میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا همواره در سایه تنش ها و تحولات چشمگیر قرار داشته است. سیاست خارجی آمریکا به ویژه در مواجهه با ایران، شاهد نوسانات عمده ای بوده که گاه به تشدید فشار های اقتصادی و دیپلماتیک و گاه به تلاش های مقطعی برای تعامل و مذاکره انجامیده است. از خروج یکجانبه دولت ترامپ از برجام و اعمال سیاست موسوم به «فشار حداکثری» گرفته تا تلاش های دولت بایدن برای احیای برجام و کاهش نسبی شدت تحریم ها، مسیر دیپلماسی میان دو کشور همواره پراز فرازو نشیب بوده است. اکنون، با بازگشت دونالد ترامپ به قدرت، این پرسش مطرح است که آیا فصل تازه ای از فشارها و سیاست های خصمانه در راه است یا شرایط به سمت تعامل سازنده تری سوق خواهد یافت؟ در این میان، مقاومت ایران در برابر تحریم ها، گسترش روابط منطقه ای و بهره گیری از ظرفیت های داخلی، برگ های برنده ای است که همچنان به عنوان محورا استراتژی کشور در مقابله با فشارهای خارجی مطرح است.

#### فصل تازه ای از فشارها؟

در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ، رئیس جمهور پیشین آمریکا، وی تصمیم گرفت به صورت یکجانبه از توافق هسته ای ۲۰۱۵ موسوم به برجام خارج شود. این اقدام، بهانه ای برای اجرای سیاست موسوم به «فشار حداکثری» شد، راهبردی که با تکیه بر تحریم های گسترده و فلج کننده اقتصادی، هدف خود را در تحمیل شرایط جدید و سختگیرانه تر بر جمهوری اسلامی ایران تعریف کرده بود. هرچند این سیاست فشار اقتصادی شدیدی بر کشور ما وارد آورد، اما آنچه ترامپ و تیم او در پی آن بودند، یعنی دستیابی به توافقی جدید، هرگز محقق نشد. رئیس جمهور پیشین آمریکا در حالی کاخ سفید را ترک کرد که سیاست های او نه تنها توانست ایران را به پذیرش خواسته های یک جانبه آمریکا وادار کند، بلکه موجب تقویت مقاومت و همبستگی داخلی در برابر این فشارها شد. هرچند در دوران ریاست جمهوری جو بایدن، برخی از سیاست های ترامپ تعدیل شد، اما بسیاری از تحریم های اعمال شده علیه جمهوری اسلامی ایران همچنان پابرجا ماندند. این در حالی است که شدت اجرای این تحریم ها از سوی دولت بایدن کاهش یافت و این امر موجب افزایش صادرات نفت ایران از کمتر از ۲۰۰ هزار بشکه در روز در سال ۲۰۱۹ به ۱/۸ میلیون بشکه در روز در اوایل سال جاری میلادی شد. صادراتی که عمدتاً به مقصد چین انجام شده است. با این حال، گزارش ها حاکی از آن است که نزدیکان ترامپ و حامیان او در صورت بازگشت به قدرت، برنامه هایی برای تشدید فشارها از نوویه سال آینده در سر دارند. بازگشت سیاست های فشار حداکثری، آن هم در فضایی که دیپلماسی و تعامل می تواند راهگشای بسیاری از چالش ها باشد، می تواند پیامدهای جدی و غیرقابل پیش بینی به همراه داشته باشد. آیا ترامپ این بار هم همان مسیر گذشته را طی خواهد کرد؟

و اگر چنین شود، واکنش ایران و سایر بازیگران منطقه چه خواهد بود؟ این سوالات، چالش هایی است که پاسخ آنها در آینده مشخص خواهد شد. با این وجود، حامیان سیاست های تحریمی در سال های اخیر تلاش های گسترده ای برای طرحی و اجرای برنامه های دقیق در این راستا به کار بسته اند، در حالی که منتقدان این سیاست ها همچنان قافد برنامه ای جایگزین و راهگساری عملی هستند. به همین دلیل، به نظر می رسد دولت جدید آمریکا نیز احتمالاً به جای اتخاذ سیاستی تازه، به استفاده از طرح های موجود و آماده روی خواهد آورد.

#### هدف تحریم های آمریکا

به گزارش تحلیلگران بین المللی، سیاست های خصمانه و تحریم های غیرقانونی آمریکا با هدف فشار حداکثری بر ملت ایران همچنان ادامه دارد. ادعا شده است که اجرای شدید این تحریم ها ممکن است صادرات نفت ایران را تا سقف یک میلیون بشکه در روز کاهش دهد، امری که در صورت تحقق، کاهش درآمد های نفتی کشور را در پی خواهد داشت. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر ظرفیت های داخلی و سیاست های اقتصاد مقاومتی، توانسته است بسیاری از آثار تحریم ها را خنثی کند. از سوی دیگر، تحلیلگران غربی بر این باورند که دولت ترامپ در تلاش است تا از افزایش قیمت سوخت در آمریکا جلوگیری کند، چرا که هرگونه افزایش قیمت بنزین می تواند تبعات اقتصادی و اجتماعی گسترده ای برای این کشور داشته باشد. آژانس بین المللی انرژی نیز پیش بینی کرده است که بازار جهانی نفت تا سال ۲۰۲۵ با مازاد عرضه مواجه خواهد بود.

این ادعا در حالی مطرح می شود که بسیاری از کارشناسان معتقدند تحریم نفت ایران، در درازمدت می تواند تعادل بازار جهانی را برهم بزند و به ضرر خود کشور های غربی تمام شود. هرچند که تحریم های آمریکا تأثیرات موقتی بر اقتصاد ایران داشته است، اما جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر توان داخلی و ایجاد شبکه های مقاوم و کارآمد، همواره توانسته است تحریم ها را دور بزند و از فشارهای دشمن سربلند بیرون آید. با این حال، پرسش اساسی این است که هدف نهایی آمریکا از اعمال این تحریم ها چیست؟ چراکه تحریم ها نه یک هدف نهایی، بلکه ابزاری در دست سیاستمداران آمریکایی برای رسیدن به اهداف بلندمدت آنها به شمار می آیند. برای برخی از عناصر تندرو و جنگ طلب در واشنگتن، هدف اصلی همواره تغییر نظام جمهوری اسلامی ایران بوده است.